

تشکلی داخلی علیه اعدام

یاسر عزیزی

۳۱ شهریورماه ۸۵

<http://azizi61.multiply.com>

ایمیل: azizi_didgah@hotmail.com

این روزها هربار که جعبه پیام های خود را باز می کنیم یا سری به ساینی می زنیم و به هر حال دری را به دنیای خبر و نظر می گشاییم، با بیشمار مطلب، اعلامیه ، کمپین و گونه های مختلفی از روش های اعلام انزجار نسبت به صدور و تایید حکم اعدام "کبری رحمانپور" روبه رو هستیم . فعالیت های ارزشمندی که البته به دلیل دامنه عملیاتی خارج از مرزهای کشور از حداقل تاثیر بر فضای درونی جامعه برخوردار است . آنچه در پی می آید روضه ای سیاسی و اپرایی برای پرکردن گوش های پرخاشگر و چشمانی از این دست نیست ، بنابراین ممکن است مورد بی مهری کسانی قرار گیرد که هر واقعه ای را به مطلوب سیاسی خود مصادره می کنند بی دغدغه آشوب فرهنگی ناگواری که ما در ایران همه روزه با آنها برخورد بلکه زندگی می کنیم .

اعدام که همان معرب "به نیستی کشاندن یک جان" است در همه تاریخ ما ریشه دارد . بی شک این عمل خشونت بار ابتکار جمهوری اسلامی نیست ، همچنان که تنها به مرزهای ما اختصاص ندارد، اما مسئله مهمی است که دامن جامعه ما نیز بدان آلوده است . بخشی از علل آن به ارزشهای ایدئولوژیک حاکم بر ذهن مردم و دولت بر می گردد و بخشی نیز به بافت فرهنگی سنتی جامعه ما به مثابه جامعه ای با ساختار جاری اجتماعی مبهم، مبهم اما به این معنا که به رغم اتخاذ فیزیک حیات مدرن دارای روحیات و ذهنیات پیش مدرن و سنتی هستیم . هم از این روست که تلقیات "اومانیستی" که از مظاهر و نمادهای مدرنیته است نتوانسته در ذهن جمعی و قوانین اجتماعی ما که بر اساس سلسله مراتب و لوازم مدرن اتخاذ می شوند راهی پیدا کند . ریخت برخوردهایی که با این پدیده صورت می گیرد نیز غالباً رنگ و بوی سیاسی دارد ؛ غافل از اینکه برطرف کردن چنین معضلی بیش از همه نیازمند کار فرهنگی و ذهنی در میان مردم می باشد . در این مجال می توانیم صورت های متفاوتی از اعدام را دسته بندی کنیم که در نتیجه آن مراد سیاسی را اراده کرد، اما آیا "کبری رحمان پور" در حال قربانی شدن به پای یک رفتار سیاسی است یا معضلی اجتماعی و فرهنگی؟

شکی نیست که می توان هزار و یک دلیل سیاسی در جواب این پرسش ردیف کرد، اما سوالی که دوباره پیش کشیده خواهد شد چنین است که: تا به حال چه میزان، از به سیاست کشیدن معضلات فرهنگی نتایج و ثمرات مثبت عاید مردم نموده ایم؟ همین مسئله ی سیاسی کردن مقوله هایی از این دست موجب شده است قاطبه سازماندهی های تشکیلاتی که غالباً در ورای مرزها صورت می گیرد، تنها به غبارآلود شدن فضای ذهنی و رفتاری حول چنین معضلاتی منجر شود . اهمیت این موضوع نگارنده این سطور را راغب به پیش کشیدن یک پیشنهاد و چند توصیه کرد که ذیلاً بدان ها اشاره می شود .

پیشنهادی که در ذهن من شکل گرفته است عبارت است از ایجاد تشکلی داخلی با محوریت تلاش فرهنگی در راستای ارزش زدایی از اعدام . این پیشنهاد می تواند در خود ضرورت های دیگری را نیز ایجاد کند که در این نوشتار پرداختن بدان ها ضروری نمی نماید . چنین تشکلی کار خود را صرف نظر از صف بندی های سیاسی و اعتقادی ، صرفا به اعتبار فرهنگ سازی در میان عموم مردم استوار خواهد کرد . چنین اهمی در صورت توفیق در پیشبرد اهداف خود خواهد توانست در زمینه های دیگر نیز عرصه شعار سرایی را به نفع عملگرایی خالی کند . بی تردید چنین همگرایی بدون ایجاد اصطکاک با موانع مشهور و آشنا خواهد توانست بخش زیادی از زمینه های فرهنگی و اجتماعی اعدام را در جامعه اصلاح نماید .

اما ارائه این پیشنهاد صدور چند توصیه دوستانه را نیز ضروری می کند .

- ۱- دوستان گرانقدر از هر طیف و مرامی حمایت خود را از این پیشنهاد اعلام کنند، بی آنکه نگاهی سیاسی به این طرح داشته باشند .
- ۲- از سیاست وران گران قدر تقاضا می شود برای یک بار هم که شده است بی تاثیر مناسبات سیاسی از چنین رفتار مدنی و مدرنی استقبال و حمایت کنند تا صدق ادعای خود در خیرخواهی مردم ایران را در عمل به اثبات برسانند .
- ۳- دوستان مختلف خارج از کشور مرزها را در این جنبش عمومی لحاظ ننمایند . در این راه شما را در ایران و در کنار خود احساس می کنیم .
- ۴- دوستان نظرات و پیشنهادات خود را حتما بصورت ایمیل مطرح کنند . باشد که گشایشی از ارائه نظرات شما حاصل آید .